

تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش بر اساس رهیافت محور مقاومت

ترجمان، فریبا*
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

دلیرپور، پرویز*
استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش است. (هدف) در این پژوهش با بهره‌گیری از روش رهیافت محور و تلفیق آن را با روش کمی به بررسی چگونگی ایفای نقش ایران در شکست گروه تروریستی داعش پرداختیم (روش) در قالب روش مذکور ابتدا به بررسی عوامل موثر در ایفای نقش ایران در ارتباط با شکست داعش پرداختیم، سپس با استفاده از نمونه‌گیری غیر تصادفی ۳۰ مورد از خبرگان دانشگاهی انتخاب و یافته‌های این بررسی در قالب پرسشنامه به آنها ارائه و داده‌های استخراج شده در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بررسی و تحلیل داده‌های به دست آمده نشان داد ایران با اتخاذ راهبردهایی چون ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی، ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق، بهره‌گیری از نیروهای کارآمد نظامی_ امنیتی عراق و سوریه، ساماندهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شیعه توانسته است نقشی کلیدی در مقابله با داعش ایفا نماید از سوی دیگر در چارچوب رهیافت محورمقاومت نیز تهدید هویتی و فیزیکی داعش علیه منافع حیاتی جمهوری اسلامی ایران در تحلیل چرایی رفتار سیاستگذاران جمهوری اسلامی و اقدام و تلاش آنها برای مقابله با این گروه تروریستی نقش موثری داشته است. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، داعش، محور مقاومت، هویت

دریافت: ۱۴۰۲-۰۶-۱۹

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۹-۱۳

* نویسنده مسئول: tarjoman_fariba@pnu.ac.ir

صفحات مقاله: ۰۷-۲۹

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران دارای پیامدهای شگرفی در سطح منطقه و جهان است و از این رهگذر، گفتمان مقاومت نیز به مفهوم مقابله با نظام سلطه و صهیونیسم بین الملل وارد ادبیات علوم سیاسی و بین الملل گردید و تلاش جمهوری اسلامی ایران در مسیر افق راهبردی مقاومت فعال، آوردن مردم منطقه از حاشیه به متن سیاست‌های منطقه‌ای با همکاری دولت‌های همسوی به منظور ایجاد ترتیبات و نظم منطقه‌ای مطلوب بوده است. تا آنجا که، حاشیه امن نظام سلطه که متشکل از صهیونیسم، حکام مستبد و نیروهای تروریستی می‌باشد را به نفع مردمان منطقه دگرگون و سامان بخشیده است (دادرویش، ۱۴۰۰). از این منظر، وجوهات دوگانه سلبی و ایجابی در محور مقاومت وجود دارد. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه ستیزی قرار دارد. یعنی مهمترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبداد ستیزی است. اما مهمترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت عبارت است از عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، اسلام خواهی، صلح طلبی، عزت طلبی و اقتدار، استقلال طلبی، آزادیخواهی، معنویت‌گرایی. در این رابطه، دشمنان محور مقاومت اسلامی هر گروه و کشوری هستند که در ضدیت با محور مقاومت اسلامی موضع گرفته و عمل می‌کند که می‌توان به داعش، القاعده، دیگر گروههای تکفیری، عربستان سعودی و حامیان منطقه‌ای آن، رژیم صهیونیستی اسرائیل، آمریکا اشاره کرد (رنجبرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۹)

در نظریه گفتمان مقاومت (اسلامی) فرض بر آن است که گفتمان مدرنیزاسیون، برخی از نیروهای اجتماعی را در جوامع اسلامی به حاشیه رانده یا سرکوب کرده است و همین نیروهای اجتماعی سرکوب شده با تولید دانش و صورت‌بندی معرفت معترض در برابر هژمونی گفتمان غالب مقاومت می‌کنند اسلام سیاسی، روایتی است که این نیروهای اجتماعی سرکوب شده از اسلام به دست می‌دهند که نمود عملیاتی این نظریه در غرب آسیا، محور مقاومت اسلامی محسوب می‌شود (ترابی اقدم و بختیاری، ۱۴۰۱: ۱۳۴). از این منظر، در چهره پسامدرنیستی قدرت که در افکار اندیشمندانی چون فوکو مشهود است، تأکید بر همزیستی قدرت و مقاومت است و قدرت به تنهایی مفهومی ندارد و شرط وجود قدرت، داشتن رابطه مستمر با مبارزه مقاومت و آزادی است (گودرزی طاقانکی، ۱۳۹۹: ۳۰۲)

محور مقاومت، یک ائتلاف ژئوپولیتیک منطقه‌ای و دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک می‌باشند (بصیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱). در واقع، مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی - فضایی و گروه‌های نیابتی است و کشورهای ایران، سوریه، فلسطین و عراق به عنوان کشورهای حوزه مقاومت و حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، فاطمیان افغانستان، زینیون پاکستان، حسینیون آذربایجان و انصارالله یمن به عنوان کنشگران اصلی محور مقاومت به شمار می‌روند (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۲: ۶). با این وجود، ایران در مجموعه

امنیتی و فرهنگی محور مقاومت که قائل به تبدیل شدن به بلوک اقتصادی است، بازیگر کانونی تلقی می‌شود. آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود، انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در جهان خارج است (ترابی اقدم و بختیاری، ۱۴۰۱: ۱۳۵).

مقاومت از نظر امام خمینی (ره) و نظام اسلامی که اکنون پرچمدار آن مقام معظم رهبری هستند، دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی است. در واقع رفتن به سمت مقاومت، امتثال امر الهی است. بدین منظور که براساس دستور الهی باید به سمت مقاومت حرکت کرد؛ چراکه همه ادیان آسمانی و تمام پیامبران، یک پیام واحد برای بشر دارند و آن این است که انسانها باید خدا را بندگی کرده و از طاغوت اجتناب کنند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷). تا آنجا که، هدف غایی مقاومت، استقلال و برپایی نظام اسلامی با تکیه بر جهان بینی دینی بوده که هسته مرکزی مقاومت انقلاب اسلامی است. مقاومت از نظر اسلام امری دائمی است و برای رسیدن به هدف باید صبر و استقامت کرد تا به آن دست یافت. در نتیجه مقاومت اسلامی در برابر ظلم تجاوز و اشغالگری دین سلطه استکبار و متحدان آنها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق دفع ثم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارانی ها مطابق آموزه‌ها و احکام دین می‌باشد (باقری نژاد و قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۱۶)

چنین می‌نماید که یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سمت‌گیری و عمل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برابر داعش، حفظ و تقویت جبهه مقاومت بوده است. از این رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی را می‌بایست در قالب ارزش‌ها، اعتقادات و پیشینه تاریخی با کشورهای محور مقاومت و در قالب هویت اسلامی مورد واکاوی قرار داد. لذا جمهوری اسلامی ایران با درک تهدیدات احصا شده، راهبردهایی را برای مقابله و شکست گروه تروریستی داعش ترسیم کرده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی که بتوانند کیفیت تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران را با محوریت مقاومت بر علیه داعش مورد بررسی قرار دهند، وجود ندارد. اما می‌توان به مقالاتی اشاره داشت از منظرهای متفاوت نسبت به محور مقاومت و مسئله فلسطین پرداخته‌اند که در ذیل به آنها اشاره خواهد شد.

مطالعات فارسی

رنجبرمحمدی و همکاران (۱۳۹۹)؛ در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های قدرت هوشمند آیت‌الله خامنه‌ای در قبال دشمنان محور مقاومت اسلامی»، اعتقاد دارند که یکی از عرصه‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تقویت و افزایش نقش و تأثیر محور مقاومت اسلامی در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. اتخاذ چنین سیاستی باعث ایجاد لطمه به منافع برخی از واحدهای سیاسی شده که با سیاست‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی دشمنی دارند و در این میان، آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه تعیین‌کننده

راهبرد سیاست خارجی نظام، نسبت به نحوه مواجهه با دشمنان محور مقاومت اسلامی محسوب می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای براساس الگوی قدرت هوشمند، از مهارت‌های سبک رهبری تراکنشی و الهام‌بخش در مقابله با دشمنان محور مقاومت اسلامی بهره گرفته است. به طوری که ایشان، هر دو بعد قدرت نرم و سخت را در اتخاذ راهبردها و سیاست‌ها نسبت به دشمنان محور مقاومت اسلامی مدنظر قرار داده‌اند و هم‌زمانی استفاده از مؤلفه‌های نرم و سخت قدرت در سیاست‌های راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای، به موفقیت و افزایش قدرت این محور انجامیده است.

قاسمی (۱۳۹۷)؛ در پژوهشی با عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی» معتقد بود، گفتمان انقلاب اسلامی ایران، اثری انکارناپذیر بر دیگر مناطق دنیا و نیز جنبش‌های اسلامی داشته است و «ژئوپلیتیک محور مقاومت» پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تعریف گفتمان جدید در مقابل اهداف و برنامه‌های غرب، ایالات متحده و استکبار جهانی با نقش محوری و رهبری ایران تعریف می‌شود. در مقاله حاضر، اثبات این فرضیه از طریق تحلیل گفتمان به مثابه روش و تحلیل نظری استفاده شده است و در پی نشان دادن تأثیر انقلاب اسلامی بر قوت و گسترش محور مقاومت در منطقه برای رهایی از استکبار بوده است. به طوری که، اثبات نقش و تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) بر نهضت‌های اسلامی در ترسیم آینده محور مقاومت از نتایجی است که این مقاله بدان دست یافته است.

مطالعات خارجی

اوده^۱ (2022)؛ در مقاله‌ای با عنوان «محور مقاومت و امپریالیسم در غرب آسیا» معتقد بود که محور مقاومت در مرکز مبارزه فلسطینیان برای آزادی در برابر شهرک نشینان استعماری (صهیونیستی) است. در این ژئوپولیتیک، فلسطین، رهبری مبارزه با امپریالیسم در غرب آسیا را بر عهده دارد که می‌تواند تأثیرات منطقه‌ای و جهانی به خود گیرد. در این رابطه، غرب آسیا (و شمال آفریقا) منطقه‌ای است که همواره رقابت و خصومت بین بازیگران دولتی و غیردولتی منطقه‌ای و جهانی وجود دارد و با توجه به پیوند ارگانیک میان آمریکا و رژیم صهیونیستی، نوع کنشگری فلسطین می‌تواند هژمونی گری آمریکا را با چالش مواجه کند. به طوری که، جنبش آزادیبخش فلسطین می‌تواند با تنظیم روابط تاکتیکی و راهبردی خود، برای حفظ اتحاد جهانی در مخالفت با هژمونی ایالات متحده اقدام کند. موضوعی که سبب افزایش فشار بر فلسطین از طریق دسیسه‌های شهرک نشین- استعماری رژیم صهیونیستی گردیده است.

^۱ Aoudé .

بیوک^۱ (2020)؛ در مقاله‌ای تحت عنوان «بحرین و محور مقاومت: پیامدهای ژئوپلیتیکی برای ایران» اعتقاد داشت که در اواخر سال ۲۰۱۰ و اوایل سال ۲۰۱۱، کشورهای اسلامی عرب در خاورمیانه و شمال آفریقا دستخوش تحولاتی شدند که از دید ناظران جهانی غیرقابل پیش بینی و تکان دهنده بودند. در این رابطه، بحرین شاهد اعتراضات مردمی علیه حکومت آل خلیفه بود که به مثابه آغاز ژئوپلیتیک مقاومت تلقی شده اس. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که قرار گرفتن در خط انتقال انرژی و نزدیکی به منابع انرژی، موقعیت جزیره و ارزش استراتژیک این کشور، پنجمین ناوگان آمریکایی مستقر در خلیج فارس و همسایگی آن با عربستان، عواقب منفی برای ایران داشته است.

تفاوتی که مقاله پیش‌رو با پژوهش‌های فوق دارد، در این است که محور مقاومت اصل اساسی در نظام تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی محسوب می‌شود و بر این اساس، جهت دفع دشمن و تقویت محور مقاومت، راهبردهایی را به منظور شکست گروه تروریستی داعش ترسیم کرده است که تا پیش از این به آن پرداخته نشده است.

۳- فهم تهدیدات داعش بر علیه جمهوری اسلامی ایران

داعش به عنوان بخشی از القاعده در عراق در پاسخ به حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، با هدف ایجاد دولت اسلامی سنی تأسیس شد. در واقع، دخالت نظامی آمریکا در عراق زمینه‌ساز ایجاد شرایط برای ظهور داعش بوده است (نایر^۲، ۲۰۱۶: ۵۶). با توجه به این موضوع و خصلت فراسرزمینی و فرامرزی وجوهای ارزشی و باورهای اصلی تشکیل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران، این ویژگی‌ها نیز می‌توانند مورد تهدید مستقیم از خارج از مرزهای ایران واقع شوند. نوع نگاه و اقدامات گروه تروریستی داعش سبب گردید تا وضعیت منطقه خاورمیانه به سمتی سوق پیدا کند که از منظر جمهوری اسلامی ایران، تهدیدی بر علیه ارزشهای اصلی و متعاقب آن هویت و امنیت ملی تلقی شده است. به طور کل، ظهور و گسترش داعش، چالش‌های هویتی و ارزشی مهمی را علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران وارد کرد که در ذیل اشاره می‌شود:

۳-۱- نگاه ضد شیعی داعش نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ایران

یکی از الزامات هویتی جمهوری اسلامی ایران، آموزه‌های اسلامی- شیعی برگرفته از هویت ملی ایرانیان، صبغه تاریخی و انقلاب اسلامی است. با حمله داعش به عراق موجی از فرقه‌گرایی و تفرقه شکل گرفت. به نظر می‌رسد، بر اساس نظام اعتقادی داعش، هدف اصلی شیعیان هستند که عموماً در ایران و عراق حضور دارند (رشید^۳، ۲۰۱۴). در این میان،

1. Biuck

2. Nair

3. Rashid

سردمداران داعش شیعیان را مورد حمله قرار می‌دادند. به طوری که ابوبکر بغدادی، شیعیان را مرتد اعلام کرد و به مشارکت در جهاد علیه آنها تأکید می‌کرد: «من درخواست خودم را از همه جوانان و مردان مسلمان در سراسر جهان مطرح می‌کنم و از آنها می‌خواهم تا به سمت ما هجرت کنند و پایه‌های دولت اسلام را تحکیم بخشند و در جهاد بر ضد رافضی‌های صنفی، شیعیان مجوسی مشارکت کنند (آدمی و نیکنام، ۱۳۹۵: ۱۳).

از نظر داعش جمهوری اسلامی ایران مرکز اصلی و محوری شیعه محسوب می‌شود که می‌بایست به دلیل مخالف با ایدئولوژی داعش مورد هدف قرار گیرد. چرا که با توجه به حوزه‌های تأثیرگذاری ایران بر منطقه، اجرای احکام اسلامی را نامشروع جلوه می‌دهد. بدین‌سان، تخریب و هجوم به اماکن مقدس و ارزش‌های شیعی در عراق، زمینه مناسبی را می‌توانست به منظور هدف قرار دادن ایران فراهم کند. لاجرم، گروه تروریستی داعش درصدد بود تا از طریق ایجاد درگیری در مرزهای ایران سناریوها و اهداف خود را عملیاتی نماید (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۶). از این منظر، مهم‌ترین خطری که داعش می‌توانست ایجاد کند، اینکه بتواند با تبلیغات سوء خود، نفرت سنی‌های ساکن در ایران را بر ضد شیعیان پدید آورد و موجبات بی‌ثباتی داخلی را فراهم آورد. وجود دیدگاه‌های ضد شیعی- ایرانی در گروه تروریستی داعش و تهدیدات آنها نسبت به جمهوری اسلامی ایران مبین نیت تهاجمی داعش است. به طوری که استدلال می‌شود، گروه تروریستی داعش با افزایش قدرت و توان تهاجمی‌اش، تلاش می‌کرد تا به گسترش نفوذ و قدرت خود و حمله به مرزهای ایران بپردازد (موسوی دهموردی، ۱۳۹۵: ۶۳). در این زمینه، انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادرشده از طرف آنها قابل فهم است. مهم‌ترین اقدام در این زمینه در آذر ماه ۱۳۹۴ حادث گشت که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد. در خرداد ۱۳۹۶ نیز، در حملات تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) در تهران، ۱۷ نفر شهید شدند و ۵ مهاجم نیز کشته و حدود ۵۲ نفر نیز زخمی شدند (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰).

۳-۲- غفلت از هدف اصلی محور مقاومت

مطابق با رهیافت محور مقاومت، هنجارها نقش بسیاری در درک منافع کشورها دارد. یکی از هنجارهای مؤثر در تکوین سیاست خارجی ج.ا. اسلامی تفوق ارزش عدالت اسلامی است. به طوری که عدالت جویی همراه با صدور انقلاب یکی از ارزش‌های فرهنگ اسلامی است که نمود آن را می‌توان به مثابه ارزش در سیاست خارجی ج.ا. ایران مشاهده نمود. بازتاب این ارزش در حمایت از مسلمانان جهان یا حمایت از جنبش‌های عدالت‌طلب و آزادی بخش مانند حزب الله لبنان و نهضت آزادی بخش فلسطین تداعی گردید که در تضاد آشکار با رژیم جنایتکار (صهیونیستی) اسرائیل قرار گرفت. علاوه بر این، با توجه به قاعده نفی سبیل به مثابه ارزشی که در شکل‌گیری هویت اسلامی نقش دارد، ج.ا. ایران، اسرائیل را

همواره عامل سلطه ارزش‌های غربی و استعمارگرایانه تلقی می‌کند. بدین‌سان، این ارزش‌ها سبب‌گردید تا همواره روابط دوجانبه میان ج.ا.ایران و اسرائیل متخاصم گردد (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۱۲). ج.ا.ایران همواره تلاش کرد تا با کشورهای دوست و همپیمانانش مانند عراق و سوریه در هموار کردن مسیر دفاع از مردم مظلوم فلسطین گام بردارد.

حال آنکه حمله داعش به عراق باعث ناکامی و ناتوانی دولت عراق شده بود. این جریان نه تنها باعث توجه این کشور به مسئله فلسطین نگردیده بود، بلکه برای جمهوری اسلامی نیز پیامدهای بسیار مهمی داشته است و در نتیجه، مانع عمده‌ای در راه محور مقاومت بود. در این صورت، یکی از اهداف اسرائیل که جابه‌جایی اولویت‌ها در سیاست خارجی ایران نسبت به مسئله فلسطین است، محقق شد. به طوری که، پیوستگی جغرافیایی عراق با سوریه و تسری ناکامی دولت‌ها در هر دو کشور، می‌توانست دو حلقه مهم جبهه مقاومت را در مقابل اسرائیل تضعیف کند (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۳). به طور کل، هدف آمریکا متحدانش در پدیداری منازعه میان گروه‌های رادیکال و دولت‌های سوریه و عراق، از بین بردن و کنترل قدرت ایران و متحدان منطقه‌ای آن و ایجاد جنگ داخلی در کشورهای ائتلاف مقاومت به منظور حمایت از اسرائیل بوده است (نجات، ۱۳۹۴: ۱۰۶). در این زمینه، با توجه به حمایت‌های لجستیکی و نظامی ائتلاف مقاومت در کشورهای همسو، به منظور مقابله با گروه تروریستی داعش، این موضوع می‌توانست باعث مغفول ماندن و تمرکز بر تهدید رژیم صهیونیستی گردد. لذا می‌توان استدلال نمود که اولاً گروه تروریستی داعش نقش اسرائیل را در تضعیف محور مقاومت بازی می‌کرد. ثانیاً، راهبردها و عملکرد داعش سبب‌گردید تا اولویت مبارزه کشورهای اسلامی با رژیم اسرائیل به سمت حفظ امت اسلامی تغییر یابد.

محور مقاومت با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران، دو شاخص و ویژگی مهم دارد: مقاومت در مقابل نظام سلطه و مقاومت در مقابل خوی تجاوز و اشغالگری رژیم صهیونیستی. این دو شاخص مهم که از ارکان گفتمان انقلاب اسلامی هستند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه ایجاد جبهه گسترده‌ای از ملت‌های مسلمان منطقه در قالب محور مقاومت را فراهم کردند. با توجه به تقابل داعش با محور مقاومت در قالب اقدامات نظامی و امنیتی در سوریه و عراق و آشوب آفرینی در لبنان و تهدید مداوم ایران، این موضوع تهدیدی علیه منافع ملی ایران محسوب می‌شود (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۴). از منظر محور مقاومت و با توجه به گزاره‌های هویتی و هنجاری، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در راستای حمایت از ملت‌های مظلوم و جنبش‌های مقاومت می‌باشد. بدین‌سان، پیوستگی و قرار داشتن سوریه و عراق در حلقه مقاومت، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیکی آن‌ها را برای رسیدن به اهدافی همچون قرارداد رژیم صهیونیستی در یک تنگنای ژئواستراتژیک و گسترش حوزه قدرت حلقه مقاومت دو چندان کرده بود. لذا تحولات سوریه و عراق به طور مستقیمی بر منافع جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار است.

۳-۳- استفاده ابزاری قدرت های غربی و هم‌پیما نان عربی از داعش بر علیه

جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین علل تسریع کننده در ظهور و افزایش توان داعش را می‌توان اقدامات پشت پرده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا، عربستان سعودی، قطر، ترکیه با هدف مقابله با محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران دانست. از این رو، به نظر می‌رسد که داعش به مثابه ابزاری جهت مقابله با نفوذ روزافزون ایران در منطقه محسوب می‌شود.

در این زمینه، سیاست آمریکا در بحران کشورهای عراق و سوریه ارتباط مستقیم با اسرائیل دارد. به طوری که هدف این است که دشمنان همسایه اسرائیل یعنی حزب الله لبنان و حماس فلسطین را از حمایت اساسی ایران محروم کنند. از این رو، داعش صرفاً ابزاری برای ترور نیست که آمریکا برای سرنگونی دولت سوریه به کار برد؛ بلکه اهرمی برای فشار آوردن به جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده گردید (چنگو^۱، ۲۰۱۹). تا آنجا که می‌توان استدلال کرد که از اهداف ژئوپلیتیک آمریکا در حمایت از گروه تروریستی داعش، شکستن حلقه مقاومتی است که توسط ایران بنیان نهاده شد تا امنیت رژیم صهیونیستی را تأمین نماید (افشردی و علمدار، ۱۳۹۶: ۱۲۷). ترکیه نیز از جمله کشورهایی بود که از تروریست‌های داعش حمایت می‌کرد. به طوری که مسیر همواری را برای تروریست‌ها جهت ورود به داخل سوریه فراهم کرد و آنها را از طریق ناتو استخدام و آموزش می‌داد (چوسودووسکی^۲، ۲۰۱۸). در واقع، در بحران سوریه ترکیه یکی از کشورهایی بود که درصدد افزایش فشار بر ایران و آسیب‌پذیری آن، سرنگون کردن دولت سوریه برای محدود کردن نفوذ ایران برآمد (بصیری و سالدورگر، ۱۳۹۶: ۵۵۸). بدین سان، سیاست ترکیه در بحران سوریه مبتنی بر شکست بشار اسد بود. سیاستی که از طریق ایجاد منطقه پرواز ممنوع، به تروریست‌های داعش کمک می‌کرد (پیرزادا^۳، ۲۰۱۵: ۱۳). از این رو، به نظر می‌رسد، حمایت همه جانبه ترکیه در ابتدای ظهور داعش، استفاده ابزاری از این گروه برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

عربستان سعودی نیز به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران، نقش مهمی در حمایت از داعش از طریق جنگ ضد شیعه در عراق و سوریه بازی می‌کرد. در بحران عراق، عربستان با حمایت‌های مالی خود سبب گردید تا داعش شمال عراق را تحت تصرف خود قرار دهد (آیجالا^۴، ۲۰۱۶: ۹). با تحلیل سیاست‌های عربستان در قبال بحران سوریه نیز اینگونه مستفاد می‌شود که یکی از اهداف عربستان تحت فشار قرار دادن سوریه به دلیل حمایت از

1. Chengu
2. Chossudovsky
3. Peerzada
4. Äijälä

حزب الله و تعامل با ایران بوده است (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۳). قطر نیز به عنوان کشوری مطرح می‌شود که برای حفظ توازن قدرت ضد ایران در خلیج فارس تلاش می‌کند. تا آنجا که تحرکات قطر در قبال بحران‌های اخیر در سوریه و عراق، با هدف کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا، قطر با اتخاذ سیاستی مشابه ریاض با هدف حذف اسد از معادلات سیاسی سوریه به حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و رسانهای از گروه تروریستی داعش پرداخت تا با تضعیف محور مقاومت اسلامی، موازنه منطقه‌ای را با ایران متعادل کند (درج و التیامی‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۶-۴۷).

به طور کل، حتی اگر بپذیریم که میان ائتلاف آمریکا با گروه تروریستی داعش جنگ و درگیری وجود دارد، اما همه آنها در یک هدف، یعنی مقابله با نفوذ و قدرت ایران در عراق و سوریه به دلیل هویت انقلابی و ارزشی که جنبه ضد هژمونیک دارد، اتفاق نظر دارند. در واقع وجود تفکر ضد ایرانی در میان آمریکا، عربستان، ترکیه و سایر کشورهای عربی نشان از خصومت این کشورها از حضور و نفوذ ایران در عراق و سوریه است.

۳-۴ - تضعیف عراق و سوریه به عنوان هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران

نفوذ و گسترش داعش در سوریه بزرگ‌ترین خطر امنیتی ملی برای ایران در چند دهه اخیر بوده است. اهمیت بقای حکومت بشار اسد برای حفظ هرچه بهتر این ارتباط از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. تا آنجا که، مناطقی که داعش تصرف کرده بود، عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را هدف قرار داده است (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۳). همچنین، پیوندهای مذهبی بین ایران و عراق نقش مهمی در امنیت ملی ایران دارند. مقامات امنیتی ایران به واسطه ارتباط شیعیان عراق با ایران، همواره در جهت جلوگیری از حمله‌های نظامی آمریکا تلاش کرده‌اند (نادر^۱، ۲۰۱۵: ۳). در این زمینه، خط قرمز برای منافع ملی کشور ایران، حفظ تمامیت ارضی کشور عراق به دلیل همجواری جغرافیایی و شیعه‌گرایی، حفاظت از اماکن مقدس و غیره است. ج.ا. ایران در اولین اقدام، به ارسال کمک به مردم عراق قبل از هر کشوری نمود (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۶-۱۵۷).

از منظر محور مقاومت، اهمیت عراق و سوریه برای ج.ا. ایران از چند جهت قابل تحلیل است. اول اینکه هویت شیعی عراق و اسقرار مقدسات امامان معصوم، سبب گردید تا جمهوری اسلامی ایران نگاه تاریخی، ارزشی و هویتی نسبت به آن داشته باشد. دوم اینکه، سوریه نیز به مثابه پل ارتباطی ایران و محور مقاومت برای آزادی فلسطین محسوب می‌شود. به طوری که، روابط حسنه سوریه با جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی و تقویت جبهه

1. Nader

مقاومت بسیار حائز اهمیت است. از این رو، تهدیدات گروه تروریستی داعش علیه سوریه و عراق به مثابه تهدید علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی شده است.

۴- راهبردها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش

وقوع بحران در کشورهای سوریه و عراق را می‌توان یکی از مهمترین تهدیدات هویتی و ارزشی در محیط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد که ادامه و گسترش آن، تبعات و چالش‌های گسترده‌ای مانند رشد افراطگرایی دینی و تروریسم، تهدید ژئوپلیتیک شیعه، بی‌ثباتی و نامنی فراگیر برای نظم و امنیت منطقه پدید آورد. چالش‌هایی که برآمده از نوع نگاه گروه تروریستی داعش نسبت اسلام و رویکردهای افراطی آن برمی‌گردد. به نظر می‌رسد، چنانچه هر نوع هویتی داعیه اسلامی دارد و در تضاد هویت مورد نظر ایران تلقی شود، در هر نقطه‌ای از جهان به معنای تهدید هویتی و امنیتی ایران به حساب می‌آید. با این وجود، چنانچه این تهدید هویتی و ارزشی در مجاورت مرزهای جغرافیایی ایران وجود داشته باشد، یقیناً تهدیدی وجودی و با اهمیت به حساب می‌آید. همچنان که بسط هویت اسلامی شیعی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران در مناطق مجاور ایران، به معنای منافع امنیتی حائز اهمیت ایران تلقی می‌گردد (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۱).

بدین‌سان و از منظر محور مقاومت، اتخاذ راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش از یک سو بر اساس تهدید علیه منافع ملی و از سوی دیگر، منبعث از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در قالب هویت اسلامی با دو کشور عراق و سوریه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع مهمترین عامل در ارزیابی نقش ایران در شکست داعش را می‌بایست، تهدیدات این گروه تروریستی بر هویت اسلامی در عراق و پل ارتباطی سوریه با محور مقاومت قلمداد کرد. اشتراکات هویتی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران با این دو کشور در چارچوب گفتمان اسلامی و حفظ محور مقاومت، سبب‌گردید تا تصویری از این دو کشور در نگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشورهای دوست تداعی و برساخته شوند. بدین‌سان، منافع جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از هویت ارزشی و انقلابی آن است، ایجاب می‌کرد که به تمهید راهبردهایی در ارتباط با شکست داعش اندیشه کند که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

۴-۱- ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی

جمهوری اسلامی ایران همواره درصدد بوده است تا به منظور ایفای نقش ائتلاف سازی میان گروه‌های مختلف شیعه، اعم از سنی و کرد و یک وضعیت برد- برد با توجه به ساخت قدرت در دولت مرکزی تلاش نماید. این موضوع مبین این قضیه است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به نفوذ و قدرت راهبردی خود می‌توانست نقش یک کشور ائتلاف‌ساز را ایجاد نماید. این ویژگی سبب شد تا ایران بتواند روابط اربیل و بغداد را از حالت تهاجمی

خارج کند، به گروه‌های مختلف شیعی انگیزه دهد تا در ائتلاف سیاسی‌شان باقی بمانند و میان گروه‌های سنی غیر افراطی با سایر گروه‌ها ارتباط برقرار کند. به عبارتی دیگر، در صورت عدم توانمندی ایران به عنوان یک بازیگر ائتلاف ساز، این انتقال قدرت سیاسی در عراق به آسانی محقق نمی‌شد (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۳). در این زمینه، عدم پشتیبانی از دولت نوری مالکی و کمک به روی کار آمدن حکومت مرکزی مقتدر شیعی که مورد توافق عراقی‌ها باشد (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۸)، جزئی از سیاست ایران برای حفظ نفوذ در عراق بوده است (نادر^۱، ۲۰۱۵: ۵).

در این راستا، حاکمان برخی از کشورهای منطقه مانند عربستان، اردن، ترکیه و امارات تمایل به سرنگونی دولت سوریه به رهبری بشار اسد بودند. با این وجود، به دلیل روی کار آمدن بشار اسد از طریق انتخابات و نگرش یکسان نسبت به تحولات منطقه، مسئولان ایران همواره به منظور حمایت از مردم و دولت سوریه سیاست‌ها و اقدامات دیپلماتیک اتخاذ نمودند. بدین سان، جمهوری اسلامی ایران تلاش نمود تا از طریق اجلاس بین‌المللی در ایران در جهت مخالفت با حضور مخالفان سوری و ایجاد ثبات در سوریه گام بردارد، موضوعی که موجبات تضعیف گروه‌های تروریستی داعش در سوریه را فراهم آورد (اسماعیلزاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). بدین سان، مناطقی که در سوریه توسط داعش اشغال شده بود، آزاد گردید و وضعیت بگونه‌ای پیش رفت که دولت سوریه به نسبت از حالت بحرانی فاصله گیرد. پس از این ناکامی‌ها، داعش به اقدامات وحشتناکی بر علیه مردم سوریه روی آورد که باعث شد تا جهانیان نسبت به تروریسم بودن این گروه اذعان کنند. موضوعی که سبب گردید تا دنیا بر علیه تروریسم داعش ائتلاف سازی نماید و در این زمینه از جمهوری اسلامی ایران نیز خواسته شد تا بر علیه داعش به این ائتلاف ملحق شود و با آنها همکاری کند. از این منظر حمایت ایران از سوریه در نزد افکار عمومی جهان مورد تأیید واقع شد (نجات، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

بر اساس قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران در روابط با کشورهای همسو و به طور خاص عراق و سوریه، علاوه بر حمایت‌های غیر مستقیم و تبلیغاتی، مبادرت به اعزام نیروی سپاه قدس در این دو کشور نموده است. موضوعی که به دلیل خشونت‌های گسترده داعش سبب گردید تا جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌های اعلامی خود اعلام نماید و به عرصه‌ای برای اقدامات مسئولانه و افتخار آفرین برای مردم و مسئولان تبدیل شود (سنایی و کاویانپور، ۱۳۹۵: ۱۵۷). به طوری که، سوریه و عراق از منظر ایران، به عنوان متحدی استراتژیک قلمداد می‌شود. این مهم با توجه به ارزش‌ها و هویت جمهوری اسلامی ایران که خود را حامی اصلی جبهه مقاومت در منطقه تلقی می‌کند، عراق را به دلیل حضور شیعیان و مجاورت جغرافیایی و سوریه را خط مقدم مبارزه با صهیونیسم اسرائیل تلقی می‌نماید از این

1. Nader

رو، رفتار ایران در جهت صیانت از نظام‌های سیاسی عراق و سوریه تحت رهبری بشار اسد، به‌واسطه تصویری از «خود» و «دیگری» قابل توجیه است.

۴-۲- ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در عراق

داعش در بدو ورود به عراق، نفوذ خود را در اقلیم کردستان عراق تسریع بخشید. با توجه به پیشروی در عراق، گروه تروریستی داعش حملات زیادی را عملیاتی کردند که سبب گردید تا کردهای عراق از منطقه راهبردی اربیل به عقب رانده شوند (آل- اخبار، ۲۰۱۴). در واقع، نیروهای امنیتی عراق و پیشمرگه‌ها دچار ضعف‌های جدی در ارتش شده بودند. تا آنجا که به نظر می‌رسید، توانایی بازپس‌گیری و آزادکردن سرزمینشان بدون حمایت گسترده خارجی نباشند.

پس از پیشروی‌های گروه تروریستی داعش به سوی کردستان، تقاضای کمک از دولت‌های خارجی در دستور کار مقامات اقلیم قرار گرفت. در این زمینه استقرار نیروهای مسلح ایرانی توانست از روند پیشرفت داعش جلوگیری کند. در واقع، علاوه بر کمک‌های نظامی، پشتیبانی اطلاعاتی و انسان دوستانه در دستور کار قرار گرفت. با این وجود، کشورهای غربی و متحدانش هرگونه کمک را با پیش‌شرط تغییراتی در دولت عراق می‌دانستند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳). به طور کل، احزاب شیعه عراق در دولت مرکزی به دنبال این بودند که ایران از طریق استراتژی نظامی، پشتیبانی فنی، اسلحه و مشاوران زمینی از آنها حمایت کنند (نادر^۲، ۲۰۱۵: ۶).

اقدامات اثربخش ایران موجب گردید که تمام مسئولین عراق و حتی مخالفین جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز به تأثیر اقدامات ایران در پیشگیری از سقوط کامل دولت بغداد و اشغال کامل عراق اعتراف نمودند و بارها از ایران تقدیر کردند. بنا بر اظهارات رئیس منطقه کردستان عراق- مسعود بارزانی- ایران اولین کشوری بود که در کمک به کردها از طریق ارسال تجهیزات عمل کرد (اسفندیاری و طبابایی^۳، ۲۰۱۵: ۷). موضوعی که از یک سو، نمایانگر موفقیت جمهوری اسلامی ایران در ترسیم راهبرد دفاعی علیه داعش بوده است و از سوی دیگر، اقتدار نظامی و سیاسی ایران در آسیای غربی و به ویژه کشورهای غربی و منطقه‌ای که در رقابت شدیدی با ایران قرار داشتند، تقویت و ثابت شود.

۴-۳- بهره‌گیری از نیروهای کارآمد نظامی- امنیتی در عراق و سوریه

1. Al-Akhbar
2. Nader
3. Esfandiary and Tabatabai

یکی از راهبردهایی که جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با گروه تروریستی داعش در پیش گرفت، استفاده از نیروهای امنیتی- نظامی در عراق و سوریه است. آنچه که سبب گردید تا جمهوری اسلامی ایران فعالیت‌های نظامی مستشاری خود را در سوریه و عراق تسریع نماید، حمایت از گروه‌های مقاومت منطقه و مبارزه با گروه تروریستی داعش است (خسروی و زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۰). در این راستا، تقویت نیروهای امنیتی عراق با عناصر نظامی ایرانی در دستور کار قرار گرفت (کاگان^۱، ۲۰۱۴: ۶). سردار شهید قاسم سلیمانی - فرمانده سپاه قدس- عراقی‌ها را در خاک ایران آموزش می‌داد و برخی از پیشرفته‌ترین سلاح‌های مورد استفاده شبه نظامیان شیعه را در اختیار آنها قرار می‌داد (نادر^۲، ۲۰۱۶: ۱۱).

دولت سوریه در سال ۲۰۱۳ نیز با کمک نظامیان ایرانی، حزب الله لبنان و گروه‌های عراقی شیعه که از نظر نیروی انسانی و تجهیزات به آنها وابسته بود، به صحنه مبارزه با داعش بازگشت. در این زمینه بشار اسد، پشتیبانی و کمک‌های قابل توجهی از ایران دریافت می‌کرد (کاگان^۳، ۲۰۱۴: ۱۴-۱۵). در این راستا، در سپتامبر سال ۲۰۱۵ به درخواست دولت اسد، حملات هوایی روسیه بر علیه گروه‌های شورشی و جهادی مخالف نظام سوریه، از جمله جبهه النصره و داعش آغاز شد (شمیه و سزنس^۴، ۲۰۱۵: ۳۷۴) و با حمایت ایران در نزدیکی شهر حلب هماهنگی بیشتری برای شکست داعش فراهم گردید. تا آنجا که در گزارش‌ها آمده است که در فروردین ۱۳۹۵، سفر قاسم سلیمانی به مسکو به مثابه هماهنگی دو طرف جهت طرح عملیاتی مشترک در سوریه بوده است (نیاکویی و قنادی، ۱۳۹۶: ۲۴۴). در واقع، کارشناسان نظامی ایران و به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در زمینه‌های لجستیکی، مشاوره و نظامی به ارتش سوریه تلاش زیادی کردند.

بدین سان استدلال می‌شود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متأثر از بینش هویت اسلامی، خصلت ارزشی- اعتقادی، فرا سرزمینی یافته است. این ویژگی‌های هویتی با توجه به تأکید اسلام در مقوله‌های امنیت و دفاع، باعث شد تا پشتیبانی لجستیکی و نظامی ایران در کشورهای عراق و سوریه قابل توجه شود و مشروعیت پیدا کند (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳۷). از این رو، رفتار سیاست خارجی ایران در قبال نفوذ و گسترش داعش در عراق و سوریه را می‌توان در چارچوب رهیافت محور مقاومت تجزیه و تحلیل کرد. در این راستا، مسائلی چون پیوستگی ارزشی و جغرافیایی عراق با سوریه و حمایت از محور مقاومت؛ حمایت سوریه در طول دوران هشت سال دفاع مقدس، حمایت دائمی از جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش همچون حزب الله لبنان و حماس، سیاست تقابل‌گرایانه در

1. Kagan
2. Nader
3. Kagan
4. Shamieh and Szenes

قبال رژیم صهیونیستی و حمایت از آرمان قدس سبب گردیده است تا سوریه و عراق به عنوان کشوری شناخته شوند که رابطه دوستانه‌ای با ایران دارند و از همین رو، ایران نیز با توجه به گزاره‌های هویتی و ارزشی خود به دفاع از مردم و نظام سوریه و عراق در برابر داعش پرداخته است و تلاش دارد تا با حمایت خود از این دولت‌ها به تداوم خط مقاومت و سازش‌ناپذیری در منطقه کمک نماید.

۴-۴ - سامان‌دهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شیعه برای مقابله با داعش

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر کمک‌های مستشاری، نیروهای مردمی در قالب سازمان‌های شبه نظامی بسیج را نیز حمایت می‌کرد. در این زمینه، فتوای آیت الله العظمی سیستانی مسیر سازماندهی مردم را فراهم‌تر کرد (پورحسین، ۱۳۹۶: ۹۱). بر اساس فتوای این مرجع عالیقدر شیعه «الحشد الشعبی»، نیروهای مردمی متولد شد در واقع، نقش مستقیم مرجعیت در ایجاد بسیج مردمی علیه تهدید جریان‌های سلفی - تکفیری، مرحله جدیدی در هدایت و رهبری جامعه عراق در مبارزه با داعش رقم زد (تورج و الله کرم، ۱۳۹۷: ۴۳ و ۵۴). الحشد الشعبی با الگوبرداری و در امتداد خطوط نیروهای بسیج مردمی در ایران (طرفی، ۲۰۲۰)، به دلیل روابط بسیار نزدیک با جمهوری اسلامی ایران، یکی از قدرتمندترین و تأثیرگذارترین نیروهایی است که در صحنه نظامی و امنیتی عراق نقش تأثیرگذاری را در مقابله با داعش ایفا می‌کنند (فلباب-برون^۱، ۲۰۱۹: ۲). و به تعبیری می‌توان گفت که این سازمان رکن اصلی نظامی-امنیتی جمهوری اسلامی در عراق، به‌خصوص در مقابله با داعش محسوب می‌شود. در واقع، یکی از هنجارهایی که هویت امنیتی و ضدتروریستی را تقویت می‌کند، گفتمان اسلامی است. الحشد الشعبی با الهام از تعالیم اسلام، جهاد با متجاوزان را به عنوان ارزش تلقی می‌کند. بر این اساس گروه‌های مردمی در مبارزه با داعش و گروه‌های تهدیدکننده، جهاد را به هنجاری تبدیل کردند که عمومیت یافتن آن در سطح مردمی به‌عنوان محرکی برای دیگر افراد عمل کرد (گوهری مقدم و عرب، ۱۳۹۷: ۱۵۶).

شبه نظامیان ارتش سوریه نیز با حمایت ایران، به پیشرفت‌هایی در حلب و تصرف بخش‌هایی از منطقه غرب رود فرات دست یافتند که جنگجویان برای دفاع از خود به آنجا پناه برده بودند. بدین‌سان ایران با اتخاذ سیاست مناسب و هوشمندانه و نیز پشتیبانی همه‌جانبه از دولت سوریه، موجبات شکست گروه‌های تروریستی داعش را فراهم آورد (اسماعیلزاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵: ۱۳۳). به طوری که جمهوری اسلامی ایران همواره در صدد سازمان‌دهی گروه‌های شبه نظامی علیه داعش بوده‌اند (سعیدی و لهراسبی، ۱۳۹۷: ۲). سردار شهید قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس در ارتباط مداوم با این گروه‌ها بوده و ضمن هماهنگی کمک‌ها، سیاست‌های تهران را به آنها ابلاغ می‌کند. در این زمینه، حمایت و

¹. Felbab-Brown

تجهیز نیروهای مردمی و شبه‌نظامیان در عراق و سوریه جهت مبارزه با داعش مورد تأکید قرار گرفت. موضوعی که سبب گردید تا کارآمدن بودن تدابیر جمهوری اسلامی ایران برای ارتباط با بدنه جامعه عراقی و کلیه گرایش‌ها در اقوام و عشایر در مقایسه با غرب برای همگان اثبات شود. همچنین، از آغاز بحران در سوریه، سردار شهید سلیمانی سفرهای دوره‌ای به دمشق را آغاز کرد و شخصاً در عرصه مبارزه و حمایت از بشار اسد حضور داشت و توانست بیشتر شهرها و استانهای سوریه که سالها در دست مخالفان بود را آزاد کند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق به عنوان یک کشور دوست، برگرفته از اشتراک هویتی و ارزشی است. موضوعی که باعث گردید تا حفظ قلمرو سرزمینی عراق جزء لاینفک منافع ملی ایران به حساب آید. در این راستا، با گسترش قلمرو و حوزه نفوذ تروریستها در عراق، سیاست ایران با تغییر تاکتیک از حمایت‌های غیر مستقیم و با تکیه بر پشتیبانی تسلیحاتی و اطلاعاتی به حضور نظامی مستقیم از طریق ارسال نظامیان، به ویژه سپاه قدس به فرماندهی سردار شهید «قاسم سلیمانی» روی آورد (بیات و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۶). تا آنجا که، یکی از اقدامات سردار شهید سلیمانی با توجه به نفوذ وی بر عراق، استفاده از فضای هوایی عراق برای انتقال تجهیزات به سوریه بوده است. همچنین، گروهی از شبه نظامیان عراقی، رهبران امنیتی عراق و افسران سپاه پاسداران ایران، کارگروهی در بغداد به سرپرستی سلیمانی تشکیل دادند که مأموریت آن حمایت از دولت عراق بود (آورینت نت، ۲۰۲۰). در این راستا، مقام معظم رهبری فرمودند: «خود آمریکایی‌ها و حتی خود داعشی‌ها به خوبی می‌دانند حرکتی که در عراق، کمر داعش را شکست، اقدام آمریکا نبود، بلکه اقدام نیروهای مردمی و ارتش عراق بود که مبارزه با داعش را به خوبی فرا گرفته بودند و ضربات جدی به آن وارد کردند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳/۶/۲۴).

از منظر محور مقاومت، هویت جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌کرد تا در دفاع از مسلمانان و به‌خصوص شیعیان عمل نماید. بر این اساس، حمایت از عراق و سوریه، در راستای حفظ محور مقاومت و بر اساس هویت جمهوری اسلامی ایران بوده است. همچنین، محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران، نقش کلیدی در حمایت از نیروهای منطقه‌ای بر علیه داعش و شکست و زوال یافتن آن بازی کرد. بنابراین، پشتیبانی و حمایت‌های ایران از دولت و شبه نظامیان کشورهای سوریه، می‌بایست بر اساس ارزشهای امنیتی اسلامی قابل درک باشد که در مجموع به مثابه بخشی از هویت ایران محسوب می‌شوند.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از «عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش چه بوده است؟». به منظور پاسخگویی به این پرسش ۴ گویه احصا گردید که نتایج آن به شرح جدول ذیل می‌باشد:

آمار توصیفی خصوصیات خبرگان دانشگاهی

سوابق کاری / فراوانی / درصد			تحصیلات / فراوانی / درصد			میانگین سن	جنسیت / فراوانی / درصد		
۲۳	۲۶.۶۷	هیأت علمی دانشگاه	۲۸	۹۳.۳۳	دکتری	۴۵	۲۴	۸۰	مرد
۷	۲۳.۳۳	پژوهشگر	۲	۶.۶۷	کارشناسی ارشد	۳۳	۶	۲۰	زن

عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش

میانگین (درصد)	دیدگاه نمونه آماری نیت به گویبها					ردیف	عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش
	درجههای ارزیابی						
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۳۵/۶	۰	۰	۱	۵	۲۴	فراوانی	نگاه ضد شیعی داعش نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ایران
	۰	۰	۳/۳	۱۶/۶	۸۰	درصد	
۲۲/۳	۱	۱	۵	۸	۱۵	فراوانی	غفلت از هدف اصلی محور مقاومت
	۳/۳	۳/۳	۱۶/۶	۲۶/۶	۵۰	درصد	
۱۸/۶	۰	۱	۲	۱۷	۱۰	فراوانی	استفاده ابزاری قدرتهای غربی و همپیمانان عربی از داعش بر علیه جمهوری اسلامی ایران
	۰	۳/۳	۶/۶	۵۶/۶	۳۳/۳	درصد	
۲۲/۳	۰	۱	۱	۱۶	۱۲	فراوانی	تضعیف عراق و سوریه به عنوان همپیمانان جمهوری اسلامی ایران
	۰	۳/۳	۳/۳	۵۳/۳	۴۰	درصد	

در تحلیل کلی این ۴ گویه به عنوان عوامل تأثیرگذار در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در شکست داعش، یافته‌ها نشان می‌دهد که مؤثر بودن نگاه ضد شیعی داعش نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ایران با ۳۵/۶ درصد بیشترین اثرگذاری را در اتخاذ راهبردهای جمهوری اسلامی بر علیه داعش داشته و مورد قبول بیشتر خبرگان واقع شده است. پس از آن، غفلت از هدف اصلی محور مقاومت با ۲۳/۳، تضعیف عراق و سوریه به عنوان هم‌پیمانان جمهوری اسلامی ایران با ۲۲/۳ درصد، غفلت از هدف اصلی محور مقاومت با استفاده ابزاری قدرت‌های غربی و هم‌پیمانان عربی از داعش بر علیه جمهوری اسلامی ایران با ۱۸/۶ در درجه‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

سؤال فرعی تحقیق عبارت بود از: «راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش چگونه قابل ارزیابی است؟». برای پاسخ به این سؤال ۴ گویه احصا شد که نتایج آماری آن به شرح جدول ذیل می‌باشد.

راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش

میانگین (درصد)	دیدگاه نمونه آماری نیت به گویهها					ردیف	گویههای پرسشنامه راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش
	درجههای ارزیابی						
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۳۵/۶	۰	۰	۰	۵	۲۵	۱	اتلاف با دولتها و گروههای مخ کبری و مذهبی
	۰	۰	۰	۱۶/۶	۸۳/۳		
۹/۳	۱	۲	۱۰	۸	۹	۲	ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در عراق
	۳/۳	۶/۶	۳۳/۳	۲۶/۶	۳۰		
۲۸/۶	۰	۰	۱	۷	۲۲	۳	بهره‌گیری از رهنوهای کارآمد نظامی- امریعی در عراق و سوریه
	۰	۰	۳/۳	۲۳/۳	۷۳/۳		
۲۶/۳	۰	۰	۰	۹	۲۱	۴	ساماندهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شریعه برای مقابله با داعش
	۰	۰	۰	۳۰	۷۰		

در تحلیل کلی این ۴ گویه به عنوان راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش، یافته‌ها نشان می‌دهد که ائتلاف با دولت‌ها و گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی ۳۵/۶ درصد بیشترین میزان اثرگذاری را بر اتخاذ راهبردهای مؤثر جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش داشته و مورد اجماع خبرگان واقع شده است. پس از آن، بهره‌گیری از نیروهای کارآمد نظامی-امنیتی در عراق و سوریه با ۲۸/۶ درصد، سامان‌دهی نیروهای مردمی و شبه نظامی شیعه با ۲۶/۳ درصد و ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در عراق ۹/۳ درصد در رده‌های بعدی اثرگذاری قرار دارند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا به نقش جمهوری اسلامی ایران در شکست گروه تروریستی داعش پرداخته شود. گروهی که ساخته و پرداخته غرب و در رأس آن آمریکا به منظور ضربه زدن بر محور مقاومت بوده است. در واقع، ایالات متحده به عنوان شاخص‌ترین دشمن انقلاب اسلامی با ناامن کردن منطقه از طریق ایجاد داعش و ایجاد حوادث اخیر در سوریه، به بدنبال اتحاد ائتلاف و استفاده نیابتی از کشورهای محافظه کار عرب در منطقه بود، تا از این طریق اول بازدارندگی و توازن قدرت در مقابل انقلاب اسلامی را بوجود آورد. دوم؛ جایگاه و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه را تضعیف کنند. سوم؛ اختلافات و تنش‌های فرقه‌ای قومی و مذهبی در منطقه را تشدید کند که این حاصل ظهور گفتمان افراطی، تروریستی تکفیری و سلفی‌گری در منطقه و شکل‌گیری منازعات گفتمانی در منطقه است. از این رو، رفتار و نوع رویکرد جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با عراق و سوریه، با توجه به حافظه تاریخی ارزش‌ها و هنجارها و در چارچوب هویت اسلامی مورد مذاقه و بررسی قرار گرفت. تهدیدات امنیتی داعش سبب گردید جمهوری اسلامی ایران به حمایت از عراق و سوریه و سیاست‌گذاری در مبارزه و ریشه‌کنی داعش پردازد. تا آنجا که می‌توان استدلال کرد، ایجاد جنگ‌های نیابتی با بهره‌گیری از تروریست‌هایی همچون گروه تکفیری داعش از دیگر نقشه‌های آمریکاییها برای رقم زدن تحولات جدید بود که با رویکرد انقلابی ایران و شکل‌گیری انسجام بین کشورهای منطقه، داعش نتوانست به طور مؤثری برای آمریکا نقش آفرینی کند که در نهایت با ایستادگی محور مقاومت نابود شد.

تجزیه و تحلیل رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت شکست گروه تروریستی داعش در چارچوب محور مقاومت از چند جهت دارای اهمیت به‌سزایی است. اول اینکه ایران با توجه به تصویر «خود» به مثابه ام‌القرای جهان اسلام در صدد اعمال نفوذ افزون‌تر در سراسر جهان اسلام دارد. بدین سان تلاش می‌کند تا با گردآوری و حفظ متحدان راهبردی و قدرتمندی مانند سوریه و عراق به عنوان عمق استراتژیک خود به این مهم دست یابد. در این راستا مجموعه عواملی چون تاریخ، جغرافیا، سیاست، مذهب، رقابت‌های

منطقه‌ای و حفظ محور مقاومت سبب گردیدند تا سوریه و عراق به مانند عمق راهبردی و استراتژیک برای ایران تلقی شوند. از این رو، تصویرسازی ایران از سوریه و عراق، این کشورها را به عنوان دوست بر ساخته که هویت و ارزشهای یکسانی با جمهوری اسلامی ایران دارد. دوم و بر همین اساس، با شروع ناآرامی‌های داخلی سوریه و دخالت بازیگران و قدرت‌های غربی و منطقه‌ای در این کشور، خطر تغییر حکومت در سوریه و از بین رفتن این متحد استراتژیک ایران پدیدار گشت. چالشی که از سوی جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدیدی مستقیم علیه منافع ملی و منطقه‌ای خود تلقی شده است. بدین سان، این کشور با همه امکانات و ابزارهایش درصدد حفظ وضع موجود در سوریه بوده است. از این منظر، می‌توان استدلال کرد که جمهوری اسلامی ایران درصدد است تا به رقم محدودیت‌ها و تحریم‌های ظالمانه اقتصادی، با خلق هنجارهای سیاسی و مذهبی در منطقه خاورمیانه، به عنوان بازیگر فعال و قدرتمند مطرح باشد. این بازیگری نمود خود را در تقویت و حفظ محور مقاومت، ترویج و تثبیت صدور انقلاب اسلامی و مبارزه با گروه تروریستی داعش نشان داده است.

با این وجود، اگرچه به نظر می‌رسد گروه تروریستی داعش در در عراق و سوریه با شکست مواجه شدند. اما به دلایلی نظیر نفوذ در نقاط مختلف جهان و گسترش نیروهای خود با توجه به اعلام وفاداری گروه‌های افراطی دیگر و هدایت حملات در سراسر جهان، قوی‌ترین تهدید تروریستی برای امنیت جهانی محسوب می‌شود. با توجه به اینکه تعداد کثیری از اعضای داعش را کشورهای غربی شکل می‌دادند؛ به نظر می‌رسد چشم انداز شکست نهایی پروژه «خلافت» داعش، به سرازیر شدن اعضای این گروه تروریستی به کشورهای خود و اقدامات تروریستی مصداق پیدا می‌کند که مجالی دیگر را جهت بحث می‌طلبد. با این حال، با توجه ریشه‌های تکفیری و هویتی داعش که در تقابل با جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؛ ضروری می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران در جهت تقویت مبانی نرم افزاری و فرهنگی با توجه به عدم ریشه کنی داعش در جهان گام بردارد.

منابع

- اسماعیل زاده امامقلی، یاسر، و حسنعلی، احمدی- فشارکی (۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۸ (۴۸)، ۱۴۱-۱۲۳.
<https://doi.org/10.22054/qps.2016.6800>
- افشردی، محمدحسین، و علمدار، اسماعیل (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل علایق ژئوپلیتیک بازیگران خارجی موثر در بحران ژئوپلیتیک سوریه. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۲ (۴)، ۱۴۳-۱۱۷.
<https://doi.org/10.22067/pg.v2i8.73278>
- افشون، تورج، و الله کرم، عبدالحسین (۱۳۹۷). مقایسه رویکرد امنیتی آمریکا و حشد شعبی در عراق؛ عملکرد و چشم انداز. مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۲، ۷۱-۴۱.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1386798>

آوریت، نت (۲۰۲۰). رجل ایران الأخطر. تعرف إلى قاسم سلیمانی وأبرز المهمات التي نفذها في سوريا. بازیابی شده از:

https://orient-news.net/ar/news_show/175751/0

آقایی، داوود، و رسولی، الهام (۱۳۸۸). سازه-انگاری و سیاست خارجی جمهوری ایلامی ایران در قبال اسرائیل. فصلنامه سیاست، ۳۹(۱)، ۱۶-۱. بازیابی شده از: https://jfq.ut.ac.ir/article_20142.html

باقری نژاد، سیداصغر، و قاسمی، بهزاد (۱۴۰۰). نقش تفکر انقلاب اسلامی و محور مقاومت در قبال سوریه بر اساس نظریه استفان والت، نشریه علمی مدیریت و پژوهشهای دفاعی. (۹۱)، ۱۲۹-۱۲۳. بازیابی شده در: https://mdr.ihu.ac.ir/article_206648.html

بختیاری، هوشنگ (۱۴۰۲). بررسی ابعاد و زمینه های اتحاد راهبردی کشورها و جنبش های محور مقاومت، فصلنامه جغرافیا. (۷)، ۱۸-۱. <https://dor.net/dor/20.1001.1.27833739.1402.21.76.1.2>

بصیری، محمد علی، و سالدورگر، الهه (۱۳۹۶). بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش، فصلنامه سیاست. (۴۷)، ۳، ۵۷۰-۵۵۳. <https://doi.org/10.22059/JPQ.2017.62852>

بصیری، محمد علی، و مجیدی نژاد، سید علی (۱۳۹۶). واکاوی تهدیدات امنیتی داعش بر محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۴۸. بازیابی شده از: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article>

بیات، محسن، طاهری، ابراهیم، و ذولفقاری، مهدی (۱۳۹۷). تبیین رابطه هویت اسلامی و سیاست امنیتی ایران در عراق و سوریه با روش تحلیل اسنادی، پژوهش‌های راهبردی سیاست. (۲۴)، ۷، ۲۴۳-۲۱۵. <https://doi.org/10.22054/qps.2018.17627.1541>

بیانات رهبری (۱۳۹۳). رهبر انقلاب بیمارستان را ترک کردند، بازیابی شده در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27551>

پورحسن، ناصر (۱۳۹۶). تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، فصلنامه علوم سیاسی، ۲۰(۷۹)، ۱۰۲-۷۵. <https://doi.org/10.22054/qps.2018.17627.1541>

ترابی اقدم، محمود، و بختیاری، تهمینه (۱۴۰۱). محور مقاومت اسلامی در گفتمان رسانه‌های شبکه خبری سی ان ان، یورونیوز، بی بی سی، پژوهشنامه رسانه بین الملل، ۱۰، ۱۲۹-۱۶۴. <https://doi.org/10.22034/imrl.2023.399361.1175>

خسروی، عبدالصمد، و زارعی، غفار (۱۳۹۸). جایگاه داعش در امنیتی شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در خاورمیانه، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام. ۹ (۲)، ۱۰۷-۱۲۹. بازیابی شده از:

<https://sid.ir/paper/241711/fa>، ۱۳۹۸

دادرویش، رضا (۱۴۰۰). مقاومت و محور مقامات: نظریه و عمل. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.

درج، حمید، و التیام-ی-نیا، رضا (۱۳۹۷). تحلیل دیپلماسی قطر در قبال بحران سوریه با تأکید بر روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی، مطالعات سیاسی جهان اسلام.

۷ (۳)، ۲۳-۵۴. بازیابی شده از: <https://psiw.journals.ikiu.ac.ir>

ذوالفقاری، مهدی، و عمرانی، ابودر (۱۳۹۶). تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ۷ (۲)، ۱۹۵-۱۶۹. بازیابی شده از:

<http://priw.ir> > browse

رنجبرمحمدی، مصطفی، غفاری هشتچین، زاهد، و عیوضی، محمد رحیم (۱۳۹۹). مؤلفه‌های قدرت هوشمند آیت‌الله خامنه‌ای در قبال دشمنان محور مقاومت اسلامی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۳۵، ۱۵۱-۱۷۱.

<https://doi.org/10.22084/RJIR.2020.22066.3116>

زارعان، احمد (۱۳۹۳). زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، آفاق امنیت. ۲۳، ۶۷-۹۶. بازیابی شده از:

<https://www.ensani.ir/fa/article/56833>

سعیدی، مجید، و لهراسبی، امیر (۱۳۹۷). مشروعیت یا عدم مشروعیت حضور نیروهای خارجی در سوریه در پرتو اصول حقوق بین الملل (با تأکید بر حضور نظامی جمهوری اسلامی ایران)، چهارمین کنفرانس بین-المللی پژوهش-های مدیریت و علوم انسانی در ایران. بازیابی شده از:

<https://sid.ir/paper/899233/fa>

سنایی، اردشیر، و کاویانپور، مونا (۱۳۹۵). ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات روابط بین الملل، شماره ۳۴، ۱۶۸-۱۴۵. بازیابی شده از:

<https://sid.ir/paper/247551/fa>

شیرودی، مرتضی (۱۳۹۴). مدل راهبردی (swot) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون رفت آن، پژوهش-های سیاست اسلامی، ۳ (۸)، ۸۱-۱۰۶. بازیابی شده از:

<https://ensani.ir/fa/article>

طرفی، هادی (۲۰۲۰). من هو قاسم سلیمانی... مهندس التهجير في العراق وسوريا؟، قابل بازیابی در:

<https://www.independentarabia.com/node/83556>

- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی، آفاق امنیت، شماره ۳۸. <https://doi.org/20.1001.1.25381857.1397.11.38.1.6>
- گودرزی طاقانکی، یدالله (۱۳۹۹). مبانی نظری مقاومت اسلامی با نگاهی بر انترناسیونالیسم اسلامی، فصلنامه راهبرد، شماره ۹۹، ۳۳۲-۲۹۹. <https://doi.org/20.1001.1.10283102.1400.30.2.4.1>
- گوهری مقدم، ابوذر و عرب، محمدرضا (۱۳۹۷). جایگاه الحشد الشعبی در امنیت ملی عراق و نحوه بازنمایی رسانه-های غربی- سعودی از آن، پژوهشنامه رسانه بین-الملل. ۳(۳)، ۱۵۳-۱۷۸. بازیابی شده از: <http://ensani.ir/fa/article/40577>
- مسعودنیا، حسین، ابراهیمی، علی، و رضازاده، مجتبی. (۱۳۹۶). اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل؛ فرصت ها و چالش ها. تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۹(۳۳)، ۳۳-۶۲. <https://sid.ir/paper/367107/fa>. SID.
- موسوی دهموردی، محمد، غفوری، مجتبی، و ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۵)، تبیین سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه، مطالعات انقلاب اسلامی، ۴۷، ۴۹-۶۸. بازیابی شده از: <https://ensani.ir/fa/article/395340>
- Adl-Tabatabai, S (2016). Hillary Clinton Admits ISIS Was Created By U.S. Government, Retrieved. Available: <http://yournewswire.com/hillary-clinton-admits-isis-was-created-by-u-s-government/>.
- Äijälä, A (2016). HOW IS ISIS FUNDED? Islamic State in Iraq and Syria. TALLINN UNIVERSITY OF TECHNOLOGY. Available: <https://digikogu.taltech.ee/et/item>
- Al-Akhbar (2014). Iraq's Kurdistan seeks to strengthen relationship with Iran, Available: <http://english.al-akhbar.com/node/22923>
- Aoudé, I (2022). The Axis Of Resistance And Imperialism In West Asia, Arab Studies Quarterly . 44, No 3_4.
- Biuck, M (2020). Bahrain and Axis of Resistance: Geopolitical Implications for Iran. Iranian Review of Foreign Affairs, 11.(۱)
- Brüggemann, U.(2016). Attack on the West: What is the strategy of ISIL?, Security Policy Working Paper, 21.
- Chengu, Ga (2019). America Created Al-Qaeda and the ISIS Terror Group, Global Research. available: <https://www.globalresearch.ca/america-created-al-qaeda-and-the-isis-terror-group/5402881>
- Chossudovsky, M (2018). Twenty-six Things About the Islamic State (ISIS-ISIL-Daesh) that Obama (and Trump) Do Not Want You to Know About.

available: <https://www.globalresearch.ca/twenty-six-things-about-the-islamic-state-isil-that-obama-does-not-want-you-to-know-about/5414735>

Cockburn, P(2014). Iraq crisis: How Saudi Arabia helped Isis take over the north of the country, Independent. available: <http://www.independent.co.uk/voices/comment/iraq-crisishow-saudi-arabia-helped-isis-take-over-the-north-of-the-country-9602312.html>

Felbab-Brown, V(2019). Pitfalls of the paramilitary paradigm: The Iraqi state, geopolitics, and Al-Hashd al-Shaabi, Foreign Policy at brookings.

available:<https://www.brookings.edu/articles/pitfalls-of-the-paramilitary-paradigm-the-iraqi-state-geopolitics-and-al-hashd-al-shaabi/>

Global Terrorism Index (2017). Measuring and understanding the impact of terrorism.Institute for Economics and Peace. available: <https://www.economicsandpeace.org/reports/>

Nader, A(2015), Iran's Role in Iraq: Room for Cooperation?,Perspective. available: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE151.html>

Peerzada, T. (2015). U.S.-Turkey Relationship and Syrian Crisis, ALTERNATIVES,Vol. 14.(۴)

Rashid, A.(2014). ISIS: What the US Doesn't Understand. The New York Review of Books, available: <https://www.nybooks.com/daily/2014/12/02/isis-what-us-doesnt-understand/>

Shamieh, L., & Szenes., Z. (2015).The Rise of Islamic State of Iraq and Syria (ISIS), AARMS, Vol. 14, No. 4.

Warrick, J.,& d Mekhennet., S. (2016). Isis quietly braces itself for the collapse of the 'caliphate', Retrieved from: <http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/isis-islamic-state-caliphate-terrorism-daesh-territory-decline-a7134166.html>

Watling, J(2016). The Shia Militias of Iraq, the atlantic. available: <https://www.theatlantic.com/international/archive/2016/12/shia-militias-iraq-isis/510938/>